یادداشت

حقوق وکلا

| علی چراغی | وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه |

«قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سایر قوانین مرتبط، صرفا ناظر بر فعالیت‌ها و مشاغل اقتصادی است و معیار ظرفیت کماکان تنها شاخص قانونی جذب متقاضیان ورود به حرفه وکالت است.»

رشته حقوق به‌عنوان شاخص‌ترین رشته علوم‌انسانی -مانند بسیاری دیگر از رشته‌های دانشگاهی- به دلیل جذب بدون مطالعه و بیش‌از‌حد نیاز متقاضیان در دانشگاه‌ها، با تراکم دانشجویان و دانش‌آموختگان روبه‌رو است، به حدی که هم‌اکنون بسیاری از فارغ‌التحصیلان این رشته یا فاقد شغل هستند یا در مشاغل غیرتخصصی اشتغال دارند!

در این میان کانون‌های وکلا تنها نهاد صنفی حقوقی است که درهای خود را برای جذب بدون تبعیض متقاضیان واجد شرایط، باز نگه داشته است. این در حالی است که به علل مختلف، حتی وضعیت اقتصادی و حرفه‌ای وکلای موجود نیز نابسامان و مغشوش است!

با این وصف، اخیرا عده‌ای معدود که به دلیل عدم تلاش و توان علمی کافی، موفق به قبولی در آزمون وکالت نشده‌اند و به این واسطه در پشت درهای رانت‌ناپذیر کانون‌های وکلا مانده‌اند، به جای تقویت بنیه علمی خود، با القای شبهه انحصارگرایی علیه کانون‌های وکلا، سعی در جلب توجه دانش‌آموختگان حقوق و افکار عمومی داشته و با توسل به استنادات و استدلال‌های بلاوجه سعی دارند چنین وانمود کنند که کانون وکلا به تکلیف قانونی خود عمل نمی‌کند و با این شبهات می‌کوشند راه خود را برای ورود بدون زحمت و بدون پشتوانه علمی کافی به حرفه خطیر وکالت هموار کنند! اما موضوعی که در این‌خصوص توجه و تاسف را برمی‌انگیزد، همنوایی غیرمدبرانه و غیرمسئولانه برخی مقامات و نهادهای تقنینی، قضائی و رسانه‌هاست!

این در حالی است که جذب متقاضیان وکالت توسط کانون وکلا، همواره مطابق با قوانین موضوعه بوده و استدلال‌های مدافعان حذف معیار ظرفیت از آزمون وکالت به دلایل متعدد، بلاوجه و غیرقانونی است که البته پاسخ شبهه‌افکنی‌های مذکور تاحدزیادی توسط حقوقدانان دلسوز داده شده است، ولی ذکر چند نکته در این‌خصوص خالی از استفاده نخواهد بود:

۱- مدافعان حذف معیار ظرفیت از آزمون وکالت در حالی جهت اثبات نسخ تبصره یک ماده یک قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت، به تبصره ۲ ماده ۷ قانون اصلاح مواد یک، ۶ و ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی استناد می‌کنند که این تبصره بیان می‌دارد: «هریک از مراجع صادرکننده مجوز کسب‌وکار موظفند درخواست متقاضیان مجوز کسب‌وکار را مطابق شرایط مصرح در پایگاه اطلاع‌رسانی مذکور دریافت و بررسی کنند. صادرکنندگان مجوز کسب‌وکار اجازه ندارند به دلیل اشباع‌بودن بازار، از پذیرش تقاضا یا صدور مجوز کسب‌وکار امتناع کنند.» بنابراین:

اولا: همان‌طور که می‌دانیم اصل ۴۴ قانون اساسی در مقام تقسیم‌بندی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی بوده و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز به‌عنوان یک قانون عادی در مقام تبیین حدود بخش خصوصی اقتصاد و آزادسازی نظام اقتصادی در کشور است، لذا اصولا، هم اصل مذکور و هم سایر قوانین منشعب از آن، ناظر بر تمامی انواع مشاغل و فعالیت‌های حرفه‌ای نبوده و صرفا ناظر بر فعالیت‌ها و مشاغل اقتصادی است، نه وکالت و نظام حاکم بر دفاع و عدالت قضائی!

ثانیا: به موجب بند ۲۱ از همان قانون، مجوز کسب‌وکار چنین تعریف شده است: «مجوز کسب‌وکار هر نوع اجازه کتبی اعم از مجوز، پروانه، اجازه‌نامه، گواهی، جواز، استعلام، موافقت، تاییدیه یا مصوبه است که برای شروع، ادامه، توسعه یا بهره‌برداری «فعالیت اقتصادی» توسط دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب هشتم مهرماه ۱۳۸۶ و ماده ۵ قانون محاسبات عمومی مصوب اول شهریور ۱۳۶۶، شوراهای اسلامی شهر و روستا، اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، اتاق‌های تعاون یا اصناف، تشکل‌های اقتصادی، اتحادیه‌ها، شوراها، مجامع و نظام‌های صنفی یا نمایندگان و متصدیان مستقیم یا غیرمستقیم آنها صادر می‌شود.» لذا قانون‌گذار به صراحت در تعریف مجوز «کسب‌وکار» بر «اقتصادی»بودن شغل موضوع درخواست مجوز تاکید کرده و این در حالی است که همان‌طور که گفته شد، شغل وکالت به هیچ‌وجه، زیرمجموعه مشاغل اقتصادی و تجاری نبوده، فلذا کانون وکلا از شمول حکم تبصره ۲ ماده ۷ قانون مذکور خارج است!

ثالثا: حتی اگر تصریحات قانونی فوق نیز نبود، اصولا شغل وکالت مشمول اطلاق لفظ «کسب‌وکار» مذکور در مقرره فوق نیز نمی‌شد و از حکم قانون مذکور خروج موضوعی داشت، چراکه شغل وکالت اصولا «کسب‌وکار» نیست و در جهت تقویت نظر مذکور می‌توان از رأی وحدت رویه شماره ۶۰۷ دیوان عالی کشور نیز استفاده کرد، چراکه براساس رأی مذکور، دفتر کار وکلا صراحتا به‌دلیل این‌که محل «کسب‌وکار» به حساب نمی‌آید، از شمول قانون موجر و مستاجر سال ۵۶ مستثنی بوده و تعلق حق کسب و پیشه برای شغل وکالت برخلاف مشاغل تجاری و اقتصادی، قابل تصور نیست!

۲- استناد مدافعان حذف معیار ظرفیت از آزمون وکالت به ماده ۹۲ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب ۱۳۸۷ که اعلام می‌دارد: تمامی قوانین مغایر با قانون مذکور نسخ می‌شود نیز بلاوجه است، چراکه همان‌طور که بیان شد، قوانین منشعب از اصل ۴۴ از جمله قانون مذکور اصولا در مورد خصوصی‌سازی و مربوط به امور اقتصادی است، در حالی که قوانین مربوط به شیوه جذب متقاضیان وکالت، درخصوص امر وکالت و دفاع است، فلذا اصولا به‌دلیل تفاوت موضوع، مصداق، جنس و حوزه تقنینی هریک از قوانین مذکور، تعارض و تغایری بین این دو دسته از قوانین قابل تصور نیست، چه رسد به این‌که یکی ناسخ دیگری باشد!

۳- تمسک مدافعان حذف معیار ظرفیت از آزمون وکالت به نظریه اخیرالصدور معاونت تنقیح قوانین مجلس مبنی‌بر نسخ تبصره یک ماده یک قانون کیفیت اخذ وکالت نیز بلاوجه است، چراکه علاوه‌بر عدم‌وجاهت قانونی و علمی نظریه مذکور به همان دلایل مذکور فوق، باید گفت معاونت تنقیح قوانین وفق قانون (قانون تدوین و تنقیح قوانین مصوب ۱۳۸۹) تنها مجاز به اعلام نسخ صریح قوانین است و در صورتی که نسخ قانون از نوع نسخ ضمنی باشد به موجب بند ۱-۴ از ماده مذکور صرفا می‌تواند پیشنهاد خود را در این‌خصوص به هیأت‌رئیسه مجلس تقدیم کرده و درهرحال اظهارنظر قطعی درخصوص نسخ ضمنی قوانین در صلاحیت مجلس است، فلذا این اظهارنظر معاونت تنقیح قوانین، علاوه‌بر این‌که از لحاظ ماهیتی بلاوجه و غیرکارشناسی است، خارج از حدود صلاحیت مرجع مذکور نیز است و صرفا جنبه مشورتی (البته مشورت غیرکارشناسانه!) داشته و فاقد ضمانت اجرای قانونی و ملاک اعتبار است!!!

۴- علاوه بر موارد فوق‌الذکر به‌موجب قسمت «چ» از ماده ۸۸ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه متن زیر به‌عنوان ماده ۵۹ مکرر به قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران الحاق می‌شود:

«قوه قضائیه، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، کانون وکلای دادگستری، کانون کارشناسان رسمی، مرکز وکلا و کارشناسان قوه‌قضائیه مکلفند، ۳۰ درصد از سهمیه صدور دفاتر خدمات قضائی و الکترونیک، سردفتری، صدور پروانه وکالت و مجوز کارشناسان رسمی دادگستری را به فرزندان و همسران شهدا و جانبازان با حداقل ۱۰ درصد، آزادگان با داشتن حداقل سه‌ماه سابقه اسارت و رزمندگان با داشتن حداقل ۶ ماه حضور در جبهه و همسر و فرزندان جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر و فرزندان و همسران آزادگان و فرزندان رزمندگان دارای حداقل ۱۲ ماه سابقه حضور داوطلبانه در جبهه، بدون رعایت شرط سنی درصورت واجدشرایط‌بودن اختصاص دهند.» بنابراین فارغ از ایراداتی که نسبت به تبعیض‌آمیزبودن این قانون وارد است، این نکته به وضوح از آن قابل استفاده است که قانون‌گذار سهمیه و ظرفیت جذب بخشی از دستگاه‌ها و موسسات از جمله کانون وکلا را به ایثارگران معزز تخصیص داده، فلذا تخصیص بخشی از ظرفیت جذب به مشارالیهم، فرع بر شناسایی و پذیرش معیار کمی پذیرش و جذب متقاضیان، توسط کانون‌های وکلا و سایر نهادها مشمول خواهد بود، چراکه در غیر این‌صورت مقرره مذکور لغو و بدون فایده خواهد شد! بنابراین این قانون به‌عنوان آخرین اراده قانون‌گذار، لاحق بر تمامی نصوص قانونی پیش گفته بوده و فصل‌الخطاب این بحث است.

لذا به‌نظر می‌رسد مسئولان قضائی و مقامات و نهادهای پارلمانی باید قبل از اعلام نظر و اتخاذ موضع، با دقت‌نظر و اشراف بیشتری به بررسی ادعاها و ابعاد موضوع پرداخته و به عواقب اظهارات و اقدامات خود توجه و تامل کافی فرمایند و آگاه باشند که جذب افرادی به‌عنوان وکیل که از حداقل‌های علمی و حرفه‌ای برخوردار نیستند، نه‌تنها باعث تضرر موکلان آتی آنان خواهد بود، بلکه وضعیت مراجع قضائی را از نظر عوامل زمینه‌ساز بروز فساد، با وضع پیچیده‌تری روبه‌رو خواهد کرد و در نتیجه موجب ایجاد حس ناامیدی مراجعان به دستگاه قضا، در احقاق حق خود خواهد شد! و اگر قصدشان حل مشکل اشتغال فارغ‌التحصیلان حقوق است، بدانند که راهکار حل مشکل اشتغال این عزیزان، فرار به جلو نبوده و تغییر نام فارغ‌التحصیل بیکار حقوق، به وکیل بیکار، نه‌تنها باعث رفع این مشکل نیست، بلکه باعث سرخوردگی مضاعف فرد و سرآغاز بروز آسیب‌های اجتماعی و قضائی بیشتر، خواهد بود!!!

در پایان ضمن درک دغدغه‌های متقاضیان محترم ورود به حرفه وکالت، توصیه می‌شود که اگر می‌خواهند نائل به تشرف به این حرفه شوند، باید به دور از این حواشی واهی که تنها باعث اتلاف وقت و عدم تمرکز آنان است، ضمن شناخت عینی از مسئولیت‌ها و مخاطرات این شغل، صرفا روی تقویت بنیه علمی و صلاحیت‌های مقتضی حرفه وکالت تمرکز کنند.

حقوقدانان از نبودن قوانین لازم در مورد افشا و خریدوفروش سوالات امتحانی می‌گویند

حراج‌های شب امتحانی

در قانون فقط یک ماده واحده برای افشای سوالات امتحانی وجو دارد

عکس: سعید غلامحسینی/ شهروند

آیدا پیغامی-شهروند حقوقی| اگر بحث تعداد برگزاری کنکورهای مختلف در کشور را کنار بگذاریم، بحث خریدوفروش سوالات کنکور و امتحان‌های نهایی مدارس همواره یکی از مشکلات مهم بین دانش‌آموزان و دانشجویان بوده‌است. همین چندوقت پیش بود که بحث لورفتن و خریدوفروش سوالات امتحان نهایی در کانال‌های تلگرامی پخش شد و به دلیل این‌که جرم رخ داده در فضای مجازی اتفاق افتاده بود، پلیس فتا به موضوع ورود پیدا کرد.

فاطمه ۱۷ سال دارد و در رشته علوم انسانی مشغول به تحصیل است. او می‌گوید که سوالات لورفته بیشتر مربوط به رشته علوم‌تجربی است و دروس زیست‌زمین، عربی و زبان فارسی از یک روز پیش از امتحان در بسیاری از کانال‌های تلگرامی که به‌تازگی راه‌اندازی شده‌است به خریدوفروش رسیده و چون دروس عربی و زبان فارسی رشته علوم تجربی و ریاضی تفاوتی با هم ندارد، دانش‌آموزان رشته ریاضی هم توانسته‌اند از این سوالات استفاده کنند. او در ادامه می‌گوید: بسیاری از کانال‌ها ادعای دروغ داشتند و با دریافت مبالغ ۱۰۰ تا ۶۰ هزار تومان برای هر درس کانال خود را به‌طور کل پاک و از دسترس خارج کردند، ولی چند کانال وجود دارد که هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهند. از میان آنها فاطمه به این موضوع تاکید دارد که یکی از این کانال‌ها سوالات واقعی را پخش کرده و پس از برگزاری امتحان حتی کانال را پاک نکرده‌است.

کانالی که فاطمه معرفی کرده در مورد راضی‌بودن دانش‌آموزان از سوالات، نظرسنجی‌ای را تهیه کرده است و نظرات آنها را در این زمینه جویا می‌شود و پیش از برگزاری امتحان از افرادی که سوالات را خریداری کرده‌اند، درخواست کرده زمانی که مبلغ مورد نظر را واریز کردند در یک پیام خصوصی کلمه پرداخت یا فیش واریزی را برای او بفرستند. همین‌طور در این کانال صدایی از ادمین موجود است که به دانش‌آموزان تاکید می‌کند به امید سوالات نمانند و درس‌شان را بخوانند. اما عجیب است که با وجود رسانه‌ای‌شدن این موضوع این کانال هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

البته این موضوع به امسال ختم نمی‌شود و ما سال گذشته هم شاهد همین شیوه خریدوفروش در فضای مجازی بودیم. البته نباید فراموش کرد که این جرم، جرم جدیدی نیست، زیرا پیش از این هم زمانی که استفاده از فضای مجازی در بین اقشار مختلف جامعه فراگیر نشده بود، معضل خریدوفروش سوالات کنکور و امتحان نهایی وجود داشت. اما افراد برای تهیه سوالات به مراکز مختلف و افرادی که به صورت واسطه معرفی می‌شدند، رجوع می‌کردند. حالا با پیشرفت وسایل ارتباط جمعی فقط شکل ارتکاب آن عوض شده است. با تکرار این جرم و شنیدن این خبرها شاید عده‌ای تصور کنند که حتما قانونی برای مبارزه با این نوع جرایم وجود ندارد که افراد به راحتی به ارتکاب این جرایم می‌پردازند. در قانون، یک ماده واحده که مصوب سال ۱۳۴۹ است برای افشای سوالات امتحانی وجود دارد که در آن ماده واحده مجازات هم برای این جرم درنظر گرفته شده است. براساس این قانون هر کس سوالات امتحانات نهایی یا سوالات امتحانات مسابقه ورودی موسسات آموزشی را افشا کند اعم از این که مورد استفاده قرار گرفته یا نگرفته باشد به حبس تادیبی از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌شود و در صورتی که مرتکب از کارکنان دولت باشد علاوه بر مجازات مذکور به انفصال ابد از خدمات دولتی محکوم می‌شود. این ماده واحده از سال تصویب شده و تابه‌حال به قوت خود باقی مانده و تغییری نکرده است. اما ظاهرا این تک ماده نتوانسته است از وقوع چنین جرایمی جلوگیری کند و مانعی برای مجرمان به وجود آورد.

در این میان بسیاری از افراد هستند که سالانه از این معضل آسیب می‌بینند و هرگز نمی‌توانند آن‌طور که باید احقاق حق کنند. بسیاری از این دانش‌آموزان معتقدند با اتفاقی که رخ داده است حق آنهایی که شبانه‌روزی درس خوانده‌اند، پایمال شده است. در این خصوص علیرضا سلیمی، عضو هیأت رئیسه کمیسیون آموزش مجلس در گفت‌وگویی که چند روز گذشته با خبرگزاری خانه ملت داشته است، اظهار داشت: برخوردهای سطحی مانع از تداوم خریدوفروش سوالات امتحان نهایی نمی‌شود و بکارگیری افراد غیرمتدین، انتصابات سیاسی و... در بروز این تخلفات تاثیر گذار است. در ادامه محمدجواد ابطحی، عضو کمیسیون آموزش مجلس می‌گوید: مجازات خریدوفروش سوالات امتحانی بازدارنده نیست، این پدیده محصول ضعف قانونی در برخورد با متخلفان علمی است. این در حالی است که بسیاری از مسئولان معتقدند اطلاعات کافی در مورد این‌که بتوان افشای سوالات امتحان نهایی را به‌طور قطع اعلام کرد، وجود ندارد و این کار نیازمند بررسی‌های لازم است. با این وجود برای این‌که بدانیم آیا بروز این جرایم از مشکلات نقص قانون در این زمینه است یا خیر سراغ حقوقدانان و وکلای دادگستری رفتیم که در ادامه آن را خواهیم خواند.

عدم‌هماهنگی زمان تصویب و اجرای قوانین

پیمان حاج محمود عطار، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری در پاسخ به این سوال که با توجه به این‌که اخیرا خبر افشای سوالات امتحانی رسانه‌ای شده است و این موضوعات بارها در خصوص سوالات کنکور هم تکرار شده، چرا ما نتوانستیم از وقوع دوباره این نوع جرایم جلوگیری کنیم، به «شهروند» گفت: یکی از اصول اساسی در سیاست جنایی و حقوق جزا لزوم رسیدگی به‌موقع به جرایم و محاکمه دقیق و در عین حال سریع متهمان و صدور حکم نهایی و اجرای کیفر مناسب جرم برای آنها و بسیار مهمتر از این اقدامات رسانه‌ای کردن اقدامات به‌موقع، دقیق و سریع دستگاه قضائی در برخورد با بزهکاران و مجرمان است. در شرع مقدس اسلام حدیثی از امامان معصوم(ع) وجود دارد که اجرای یک حد از حدود الهی از ۴۰ شبانه‌روز باران برکت بیشتری دارد که این حدیث حکایت از لزوم سرعت و دقت در رسیدگی به جرایم افراد دارد.

عطار با ابراز تاسف از عدم اقدام به‌موقع ضابطان قضائی در مورد این نوع جرایم بیان کرد: متاسفانه به‌کرات دیده شده در یک‌سری از پرونده‌های کیفری که حتی جنبه عمومی جرم فراتر از جنبه خصوصی است، از جمله پرونده‌های متعدد خریدوفروش سوالات کنکور دانشگاه آزاد اسلامی یا سایر مراکز آموزش عالی یا آموزش دوره متوسطه و غیره اهمیت و توجه کافی از سوی ضابطان دادگستری یا دستگاه قضائی در برخورد با خاطیان و مجرمان صورت نگرفته است یا اگر هم اقدامی صورت گرفته اطلاع‌رسانی بهینه‌ای انجام نپذیرفته و مردم اطمینان و اعتماد کافی به مراجع انتظامی و قضائی در برخورد با افراد را ندارند. ماجرای اخیر لورفتن سوالات امتحانات نهایی در همین راستا بوده است. به یاد داریم که سال‌های گذشته سوالات کنکور دانشگاه آزاد مورد خریدوفروش قرار گرفت، اما جدا از جنجال‌های رسانه‌ای و پیگیری مراجع نظارتی و حتی ورود مجلس شورای اسلامی به این موضوع، متهمان اصلی به سزای اعمال مجرمانه خود نرسیدند و پرونده بلااقدام رها شد. متاسفانه عدم‌اقدام به‌موقع و قانونمند ضابطان و دستگاه قضائی در برخورد با مجرمان موجب گستاخی و شجاعت آنها و افراد دیگری که آمادگی ارتکاب جرایمی از این دست را دارند، می‌شود و این افراد احتمال دستگیری، محاکمه و مجازات خود را به جهت عدم برخورد به‌موقع با متهمان قبلی کم می‌بینند و در ارتکاب جرم تشویق می‌شوند، به همین علت ما امروز شاهد افزایش این گونه جرایم در سطح جامعه هستیم.

این حقوقدان در پاسخ به این سوال که ما در این مورد یک ماده واحده بیشتر نداریم و آن هم مصوب سال ۱۳۴۹ است و حداکثر مجازاتی که در آن برای مجرمان مشخص شده ۶ ماه تا ۳ سال حبس و انفصال تا ابد از کار است، آیا تصور می‌کنید که این ماده واحده آن‌قدر کافی است که بتواند جبران خسارت کند یا این‌که نقصی در این مورد وجود دارد، گفت: یکی از معضلات مهم سیاست تقنینی و قضائی کشور عدم به‌روزرسانی قوانین کیفری در زمینه‌های مختلف است. بسیاری از قوانین کیفری ایران که به جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای رفتارهای مجرمانه می‌پردازند برای سالیان گذشته قانون‌گذاری شده و در شرایط اجتماعی و هنجارهای اجتماعی زمان تصویب خود توسط عالمان وقت به تصویب رسیده است. اما متاسفانه قانون‌گذاران کنونی ما همت و اراده کافی برای به‌روزرسانی این قوانین و افزایش مجازات مجرمان این‌گونه جرایم و حتی سیاست‌گذاری در علل و عوامل این‌گونه جرایم را که افراد به سمت آنها کشیده می‌شوند، ندارند و بسیاری از لوایحی که قوه قضائیه در راستای تکالیف خود به هیأت وزیران و مجلس شورای اسلامی ارایه کرده است، سال‌های سال در کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس شورای اسلامی بلااقدام مانده و تصویب نشده و عدم توجه قانون‌گذاران در به‌روزرسانی قوانین کیفری موجب گستاخ‌شدن افراد مستعد به ارتکاب بزه شده‌است.

این وکیل پایه یک دادگستری در پاسخ به این سوال که افرادی که از این ناعدالتی متضرر می‌شوند و زمانی که می‌بینند یک‌نفر که سواد کافی ندارد فقط به واسطه داشتن پول و خرید سوالات جایگاه آنها را اشغال می‌کند، چگونه می‌توانند احقاق حق کنند، گفت: یکی از نواقص قوانین ما همین عدم‌پیش‌بینی چگونگی جبران خسارات و ضرر و زیان افرادی است که قربانی جرایم و اعمال مجرمانه می‌شوند. موضوع مورد پرسش هم از این دست موارد است که قانون‌گذار متاسفانه هیچ‌گونه اقدامی برای جبران ضرر و زیان مادی و معنوی این افراد قربانی که تلاش بسیاری برای پیشرفت علمی و موقعیت اجتماعی خود کرده‌اند، ولی از طریق ارتکاب این‌گونه جرایم حقوق مادی و معنوی‌شان پایمال شده، انجام نداده‌است.

نواقص قانونی باید رفع شود

عباس تدین- حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری|

به‌طور کلی هر عملی اگر جرم باشد، محلی که باید برای مجازات به آن مراجعه کرد، قانون مجازات است. ما برای دانستن مجازات عمل مجرمانه باید به قانون مجازات مراجعه کنیم و ببینیم که در مورد عملی که ما تصور می‌کنیم حقوق‌مان نادیده گرفته شده یا زیرپا گذاشته شده است، قانونی وجود دارد یا خیر. در مورد برگزاری آزمون‌ها هم همین مورد صادق است. در ابتدا باید ببینیم آیا این عمل به‌طور خاص قانون‌گذاری شده است یا خیر. زمانی که به قانون مجازات اسلامی مراجعه می‌کنیم؛ متاسفانه قانون کارآمد و خاصی در این مورد نداریم. کسانی که اقدام به افشای سوالات می‌کنند یا سوالات را در معرض خریدوفروش قرار می‌دهند؛ متاسفانه در قانون مجازات، قانون خاصی برای جرم آنها مشخص نشده است. اگر قوانین پراکنده هم وجود داشته باشد، این مجازات متاسفانه کارآمد نبوده و نتوانسته از استفاده و عواید مالی اشخاصی که اقدام به خریدوفروش سوالات امتحانی می‌کنند، جلوگیری کند. به‌نظر می‌رسد در گام نخست ما نیازمند قانون خاصی در این حوزه هستیم. درواقع باید افشای سوالات آزمون‌ها، خریدوفروش آنها یا در معرض قراردادن این سوالات برای خریدوفروش در فضای واقعی و مجازی را جرم‌انگاری کنیم و مجازات مالی متناسب هم برای این موارد درنظر بگیریم، زیرا فردی که این سوالات را در اختیار دارد و آنها را منتشر می‌کند به دنبال نفع مالی آن است. به عقیده من اگر مجازات مالی برای این جرایم پیش‌بینی شود، می‌تواند تاحدودی کارآمد باشد. ما باید ببینیم محل مخفی کردن این سوالات و لورفتن این سوالات از کجا شروع می‌شود. اگر بخواهیم بحث پیشگیری را درنظر بگیریم، فقط نمی‌توانیم از دستگاه قضا و قوه مقننه بخواهیم که در این زمینه اقدام کنند. ما نیازمند آموزش لازم در این زمینه و استخدام اشخاصی هستیم که در این حوزه امین باشند و بتوانیم به آنها اعتماد کنیم تا متوجه شویم که این سوالات چگونه در دسترس سایر افراد قرار گرفته و چگونه منتشر می‌شود، خود این موضوع نیازمند تحقیق مستحکم در جامعه است. با این وجود، ما باید دو نکته را در این زمینه در نظر بگیریم؛ نخست وضع قوانین منسجم و کارآمد و دوم عدم‌بکارگیری شیوه‌های پیشگیرانه و مراقبت لازم در این زمینه خواهد بود که این موضوع به افرادی که این آزمون‌ها را برگزار می‌کنند، بازمی‌گردد. آنها باید این شیوه‌ها را اتخاذ کنند و اگر بعدا سوالات لو رفت می‌توانند مجازات‌های قانونی را در مورد آنها اعمال کنند. البته باید توجه داشته باشیم که خود بحث فروش و خرید سوالات امتحانی دو اثر دارد؛ یکی این است که یک‌سری از افراد به‌جای این‌که درس بخوانند و مراحل قانونی را طی کنند، دنبال این هستند که از راه غیرقانونی سوالات را به‌دست بیاورند و در این آزمون‌ها شرکت کنند و در مرحله دوم زمانی که این افراد پذیرفته می‌شوند و مدرک می‌گیرند و یک شغلی را اشغال می‌کنند. اگر بخواهیم انتهای این موضوع را دنبال کنیم، متوجه خواهیم شد که این اقدام آثاری منفی به همراه دارد. بنابراین جدای این‌که این قوانین ناکارآمد است و اتفاقا هم کم است، نیازمند این است که در بخش تعزیرات این موضوع دیده شود و مجازات مرتبط برای آن تعریف شود. به بحث پیشگیری و آموزش هم باید توجه زیادی شود. ما اگر واقعا راهکارهای پیشگیرانه را اتخاذ کنیم، در بسیاری از موارد آزمون‌ها باید به گونه‌ای برگزار شود که امکان دسترسی به این سوالات وجود نداشته باشد. مانیازمند راهکارهایی هستیم که امکان تقلب و افشای سوالات را به صفر برساند. به‌طور کل ما یک خلأهایی در این حوزه و یک‌سری نواقص در قانون مربوط به این مورد داریم که تمام این مشکلات باید حل و فصل شود.